

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



متن کامل بیانات در نخستین دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم

طراحی و تنظیم:

www.nomov.ir

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

الحمد لله رب العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا محمّد و آله
الطّاهرين سيّما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز! و به همه‌ی شما به خاطر توفیق
حضور در مراکز اساسی خدمت به مردم تبریک عرض میکنم.
خداوند متعال تفضّل فرمود به شما و این توفیق را به شما داد که
در مراکز عمده‌ی خدمتگزاری به کشور و ملت و جمهوری اسلامی
حضور داشته باشید؛ این توفیق را بایستی قدر بدانید. و از مجلس
شورای اسلامی هم تشکر میکنیم که زود و بجا و بموقع مسئولیت
خودشان را انجام دادند و ان شاءالله سرآغاز خوب و مبارکی برای
شما و برای کشور باشد.

هفته‌ی دولت مزین به اسم شهید رجائی و شهید باهنر است؛ یعنی
به یاد شهادت و نام شهادت مزین است. رحمت خدا بر این دو مرد
بزرگ، بزرگوار، فعّال و سعادتمند به شهادت؛ [که] حقیقتاً قصد
خدمت داشتند، اگر چه زمانشان کوتاه بود، لکن نشان دادند که با
اخلاص وارد این میدان شده‌اند و قصد خدمت دارند و روششان

۱. در ابتدای این دیدار - که به مناسبت هفته‌ی دولت و در آغاز تشکیل دولت سیزدهم برگزار
گردید - حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی (رئیس‌جمهور) مطالبی بیان کرد.

روش اسلامی و مردمی و مجاهدت‌آمیز بود که [این] درسی است برای همه‌ی عناصری که هستند.

شما برادران عزیز در یک برهه‌ی دشواری مسئولیت را پذیرفته‌اید؛ ان‌شاءالله خداوند کمکتان میکند؛ بنده هم دعا خواهم کرد و امیدواریم که موفق باشید. به هر حال شرایط دشواری است با وضع توژم و مشکلات معیشتی مردم و مسئله‌ی کرونا و مسائل گوناگونی که وجود دارد. اگر ان‌شاءالله از سویی تلاش مجاهدانه و حقیقتاً شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر [داشته باشید] و از طرفی توسّل و توکل به خداوند متعال را برای خودتان ذخیره کنید و سرمایه قرار بدهید قطعاً پیروز خواهید شد، قطعاً موفق خواهید شد و بر مشکلات فائق خواهید آمد. نیت الهی بکنید؛ نیت الهی هم در این جایگاه شما یعنی نیت خدمت به مردم؛ همین که واقعاً به قصد خدمت به مردم وارد میدان بشوید، این یک نیت الهی و پاکیزه است و خدا به این برکت خواهد داد.

و من یک توصیه‌ای به همه‌ی مسئولین در دوره‌های مختلف داشته‌ام، به شما هم عرض میکنم این توصیه را: زمان شتابان می‌گذرد و این چهار سال زود تمام میشود؛ از هر ساعتی، از هر فرصتی استفاده کنید و نگذارید وقتی را که متعلّق به مردم و متعلّق

به اسلام است، تضييع بشود و از همه‌ی امکانات -از همه‌ی امکانات زمانی و وقتی- استفاده کنید.

البته بنده عقیده‌ام این است، جداً عقیده‌ام این است که ضمن اینکه پُرکاری و تلاش فراوان خواهید داشت، به مسائل خانوادگی خودتان هم برسید؛ من به همه این توصیه را می‌کنم که به خانواده‌تان حتماً رسیدگی کنید؛ جوری نباشد که در مدت خدمت و مسئولیت، غایب از خانواده باشید.

و هم‌تتان را متمرکز کنید بر اینکه یک بازسازی انقلابی و البته عقلانی و فکورانه در همه‌ی عرصه‌های مدیریتی ان‌شاءالله به وجود بیاید؛ یعنی حرکت بر روی ریل انقلاب، در بخشهای مختلف مدیریتی‌ای که در کشور هست. در همه‌ی بخشها؛ بخشهای اقتصادی، بخشهای سازندگی، بخشهای مربوط به سیاست خارجی و دیپلماسی، بخشهای خدمت‌رسانی به مردم، بخشهای علمی و فرهنگی و غیره؛ در همه‌ی این بخشها یک تحرک انقلابی باید به وجود بیاید. عرض کردیم که انقلابی بودن حتماً بایستی همراه باشد با عقلانیت که شیوه‌ی صحیح جمهوری اسلامی از اول کار تا امروز این بوده که حرکت انقلابی با حرکت اندیشه‌ورزانه و عقلانی همراه باشد.

چند توصیه‌ی اساسی بنده دارم که عرض میکنم؛ چند سرفصل است، درباره‌ی هر کدام هم یک کلمه کوتاه توضیح عرض میکنم. این سرفصل‌ها، یکی مردمی بودن است که خب عنوان دولت جناب آقای رئیسی هم مردمی بودن است. عدالت‌ورزی است، فسادستیزی است، احیای اعتماد و امید در مردم بویژه در جوانها، انسجام دولتی، اقتدار دولتی، اِشراف دولتی؛ اینها سرفصل‌های مهمّی است که من درباره‌ی هر کدام یک چند جمله‌ای عرض میکنم.

در مورد مردمی بودن؛ خب مردمی بودن مقوله‌ی گسترده‌ای است و جلوه‌هایی دارد. یک جلوه همین رفتن میان مردم و شنیدن بی‌واسطه از مردم است. این حرکت بسیار خوب و مستحسّنی که دیروز جناب آقای رئیسی انجام دادند که رفتند خوزستان در میان مردم، با مردم، از آنها شنیدند، با آنها حرف زدند، این یک جلوه‌ی از مردمی بودن است که بسیار کار خوبی است.

یک جلوه‌ی دیگر، مسئله‌ی اتخاذ سبک زندگی مردمی است؛ بی‌تکلف بودن در ممشی و منش، دوری کردن از منشیهای اشرافیگری و از موضع بالا به مردم نگاه کردن و مانند اینها؛ این

هم یک جلوه‌ی دیگری است از مردمی بودن که از این منشهای اشرافیگری که معمول است در دنیا، و همه‌ی دولتها و مسئولیتها و مسئولین مبتلا هستند به این جور نگاه به مردم، به این جور روش زندگی، باید اجتناب کرد.

حرف زدن با مردم و مشکلات را و راه‌حل‌ها را با مردم در میان گذاشتن هم یکی از جلوه‌های مردمی بودن است. مسائلتان را با مردم مطرح کنید. یک وقت مشکلی وجود دارد، راه‌حلی [هم] وجود دارد. البته سعی کنید حرف زدن شما موجب یأس مردم نشود که بعضی بی‌توجهی میکنند به این نکته و حرف نامناسب و خلاف واقع میزنند که موجب ناامیدی مردم میشود؛ نه، هر مشکلی راه‌حلی هم دارد. با مردم در میان بگذارید، با مردم حرف بزنید، از مردم کمک بخواهید در موارد مختلف، هم کمک فکری، هم کمک عملی. در یک جاهایی یک خطایی اتفاق می‌افتد - خب همه‌ی ماها اشتباه میکنیم دیگر؛ خطا در کار ماها کم نیست - از مردم عذرخواهی کنید؛ صریحاً [بگویید] این اشتباه شده، از مردم عذرخواهی کنید. مردمی بودن این جهات مختلف را دارد. گزارش خدمات خودتان را هم به مردم بدهید؛ گزارش صادقانه، بدون مبالغه، بدون بزرگ‌نمایی؛ صادقانه [بگویید] این کارها را انجام

داده‌اید. مردمی بودن اینها است؛ اینها جهات مختلف مردمی بودن است.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در این فرمان بسیار مهمّ حکومتی‌شان به مالک اشتر به همه‌ی این چیزها پرداخته‌اند؛ توصیه می‌کنم که دوستان مراجعه کنید، نگاه کنید، این فرمان را ببینید. در همین زمینه عبارت ایشان [این است]:

فَلَا تُطَوِّلَنَّ - یک احتمال هم فَلَا تُطَوِّلَنَّ، يَا فَلَا يُطَوِّلَنَّ - اِحْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ؛ از مردم در مدّت زمان طولانی غایب نباش. البته مسؤل نمیتواند دائم بین مردم باشد اما در برهه‌هایی باید حتماً در میان مردم حاضر باشید. لَا تُطَوِّلَنَّ، طول نده احتجاب از مردم را. بعد در این مورد چند جمله بیان می‌فرمایند، بعد می‌فرمایند: وَ اِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةُ بِكَ حَيْفًا فَاصْحِرْ لَهُمْ بِعُذْرِكَ؛ اگر چنانچه یک گرهی در ذهن مردم پیدا شد، یک شبهه‌ای در ذهنشان نسبت به تو پیدا شد، بیا عذر خودت را با مردم درمیان بگذار، صریحاً با مردم حرف بزن، صحبت کن. ببینید، اصلاً رابطه‌ی حاکم و مردم یک رابطه‌ی این جور است؛ رابطه‌ی برادرانه است، رابطه‌ی دوستانه است.

وَ أَعْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ يَاصْحَارِكُ؛^۲ اگر شبهه‌ای دارند، با این سخن گفتنِ خودت و حرف زدن خودت، و بیان خودت، شبهه را از ذهنشان برطرف کن. این توضیحی [بود] در مورد مردمی بودن. بنابراین سعی کنید اینها را واقعاً داشته باشید؛ همه‌ی بخشهای مختلف، این خصوصیت را داشته باشند.

مسئله‌ی بعدی عدالت‌ورزی است که خب اساس حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی بر اقامه‌ی عدل است، کما اینکه اساس همه‌ی ادیان بر اقامه‌ی عدل است. خدای متعال میفرماید که ما پیغمبران را فرستادیم، کتابهای آسمانی را فرستادیم، لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛^۳ اصلاً برای اینکه مردم قیام به قسط کنند و جامعه، جامعه‌ی عدالت‌آمیز باشد. خب ما در این زمینه‌ها عقیبیم، خیلی باید کار کنیم، خیلی باید تلاش کنیم. به نظر من هر مصوبه‌ای که شما تصویب میکنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم میکنید، هر بخشنامه‌ای که خود شما در دستگاه خودتان صادر میکنید، یک پیوست عدالت باید داشته باشد؛ باید مراقب باشید این روش، این کار، این دستور، ضربه‌ای به عدالت نزند،

۲. نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳

۳. سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵

طبقات مظلوم را پایمال نکند؛ این مراقبت باید همیشه باشد؛ حالا یا با یک پیوست مکتوب یا بالاخره از لحاظ نوع تنظیم جوری باشد که این طور باشد.

گاهی اوقات یک روش مدیریتی، یک رفتار رایج ضربه میزند؛ ما واقعاً [چنین] مواردی داریم. الان هم در مجموعه‌ی کارهای ما یک رسومی، و اوضاعی وجود دارد که اینها باید اصلاح بشود؛ در زمینه‌های مختلف [هم هست]؛ و عمدتاً در زمینه‌ی عدالت در توزیع امکانات کشور است؛ این امکانات باید واقعاً عادلانه توزیع بشود. الان در بعضی از بخشها حقیقتاً این جوری نیست. البته اینکه من عرض میکنم، به معنای این نیست که یک اقدامی پشت سر این وجود داشته باشد لکن مثلاً در زمینه‌ی انرژی، در زمینه‌ی نفت، همین اواخر یکی از مسئولین دولت قبل، گزارشی به ما داد که یارانه‌ی پنهان نفت در سال ۹۹، حدود ۶۳ میلیارد دلار است! که خب اصلاً این رقم و این یارانه به چه کسی میرسد؟ چه کسانی از نفت کشور، از بنزین، بیشتر استفاده میکنند؟ جمع مهمی از مردم اصلاً از این یارانه هیچ استفاده نمیکند. آن وقت محاسبه کرده‌اند ۶۳ میلیارد دلار یعنی ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان، که از بودجه‌ی سال ۹۹ بیشتر است! اینها خب چیزهایی است که حالا

من گفتم ، [البته] در زمینه‌ی نفت، من هیچ توصیه‌ای ندارم که چه کار بکنید، آنها را باید بررسی کنید، ببینید که چه کار باید انجام بدهید؛ میخواهم بگویم یک چنین وضعی گاهی وجود دارد؛ اینها خب خلاف عدالت است، بایستی مراقبت بشود. باید کاری کنیم که فاصله‌ی طبقات محروم با طبقات برخوردار کم بشود؛ یعنی هر چه ممکن است امکانات کشور عادلانه توزیع بشود.

مسئله‌ی فسادستیزی هم که عرض کردیم، آن هم مکمل عدالت‌ورزی است. با فساد باید مقابله کرد؛ یکی از بلاهای مهمی که در کشور به وجود می‌آید که درست ضدّ عدالت است، وجود فساد، وجود ویژه‌خواری، وجود استفاده‌های سوء، اختلاس، برخورداری‌های بی‌مورد، بی‌جا و امثال اینها است؛ یک وقت کسی یک کار مهمی انجام میدهد، شما یک پاداشی به او میدهید، خب این عیب ندارد اما یک وقت عزیزهایی بی‌جهت، برخورداری‌های زیادی از امکانات کشور دارند؛ خب چرا؟ که بحث حقوقهای نجومی یک گوشه‌ای و یک بخش کوچکی از این مسئله بود که مطرح شد.

خوشبختانه رئیس‌جمهور محترم در مسئولیت قوه‌ی قضائیه به این موضوع پرداختند که خود همین هم واقعاً موجب امید مردم به

ایشان و محبوبیت ایشان در بین مردم شد. جای اصلی این [موضوع] قوه‌ی مجریه است؛ یعنی جای اصلی برخورد با فساد و فسادستیزی قوه‌ی مجریه است که زمینه‌های تولید فساد از بین برود؛ نقش قوه‌ی قضائیه بعد از اینها است؛ بعد از آنکه شما تلاش خودتان را کردید، جلوگیری کردید، زمینه‌های فساد را از بین بردید و امثال اینها، و باز یک اتفاقی افتاد، آن وقت نوبت ورود قوه‌ی قضائیه است. باید مسئله‌ی تعارض منافع شخصی و منافع عمومی و رشوه و اختلاس و [امثال] این حرفها در دستگاه‌های دولتی حل بشود.

یکی از مصادیق مهم این مسئله‌ی فساد، تخلفاتی است که در اجرای سیاستهای اصل ۴۴ به وجود می‌آید که جناب آقای رئیسی در قوه‌ی قضائیه موارد متعددی از آن را دنبال کردند که به من در آن وقت گزارشش را دادند؛ که نوع عملکرد و اجرای سیاستهای اصل ۴۴ - که این سیاستها، سیاستهایی بود که میتوانست اقتصاد کشور را به معنای واقعی کلمه شکوفا کند - جوری بود که این فسادها در آن پیدا شد. البته ابزارهایی هم برای این مبارزه وجود دارد؛ [از جمله] این سامانه‌های اطلاعاتی و خدماتی که از چند سال قبل، این سامانه‌ها قانونی شده؛ و بنده هم مکرر توصیه کردم

به اینکه این سامانه‌ها را راه‌اندازی کنند، اینها را با هم مرتبط کنند که به معنای واقعی کلمه یک اِشراف کاملی به دولت خواهد داد برای اینکه بتواند جلوگیری از فساد کند؛ [اما این کار] نشده، پیش نرفته؛ هَمّت کنید این سامانه‌ها را ان‌شاءالله تمام کنید؛ این سامانه‌ها یک هوشمندیِ کاملی به دستگاه حکومت و دولت خواهد داد که بتواند در امور اِشراف داشته باشد.

مسئله‌ی احیای اعتماد مردم و امید مردم هم بسیار چیز مهمی است؛ چون اعتماد مردم بزرگ‌ترین سرمایه‌ی دولت است. مردم وقتی به شما اعتماد کردند و امید به شما داشتند، با شما راه می‌آیند و کمکتان میکنند؛ این بزرگ‌ترین سرمایه است برای دولت که بتواند اعتماد مردم را جلب کند که البته این متأسفانه یک مقداری آسیب دیده و بایستی ترمیم کنید این را و راهکارش هم این است که حرف و عمل مسئولین یکی باشد؛ وعده‌ای اگر به مردم دادید، طبق آن وعده اگر عمل کردید، مردم به شما اعتماد پیدا میکنند؛ اگر شما وعده کردید و عمل نشد یا گفتید فلان کار شده، مردم در واقعیت دیدند نشده، اعتماد مردم سلب میشود؛ واقعاً باید خیلی بجد مراعات کنید این معنا را.

حالا جناب آقای رئیسی! دیروز شما در اهواز، در خوزستان خب یک قولهایی به مردم دادید، یک دستوراتی دادید، دقت کنید اینها جدّاً تحقق پیدا کند تا مردم ببینند آن چیزی که شما میخواهید و شما میگویید، در واقعیت تحقق پیدا میکند؛ اینها کارهای لازمی است. باز در همین زمینه هم حضرت امیر (سلام الله علیه) در همین فرمان مالک اشتر یک عبارتی دارند که «إِيَّاكَ وَ الْمَنْ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ أَوْ التَّزَيُّدَ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ»؛ «اولاً منت بر سر مردم نگذارید که ما این کار را کردیم، ثانیاً آنچه را انجام داده‌اید بزرگ‌نمایی نکنید که ما این کار را [انجام دادیم]؛ یک کارهایی را که انسان میکند، بزرگ‌نمایی کند. أَوْ أَنْ تَعْدَهُمْ فَتُتْبَعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ»؛ [این که مبادا] خُلف وعده کنید؛ وعده بدهید، بعد از وعده تخلف کنید؛ به مالک اشتر میگویند مبادا این کار را انجام بدهید؛ و این هم بسیار مهم است. البته گاهی هست شما وعده‌ای می‌دهید و امکان پیدا نمی‌کند؛ یعنی یک مشکل طبیعی بر سر این کار واقع است؛ خیلی خب عیب ندارد، این را به مردم توضیح بدهید و بگویید من این وعده را داده‌بودم، این مشکل پیش آمد نتوانستیم به وعده‌مان عمل کنیم؛ از شما عذرخواهی میکنیم؛ این هم از آن مواردی است که با مردم حرف بزنید؛ این

مصدق همان نکته‌ای است که قبلاً در مورد مردمی بودن [گفته شد]، لکن به طور کلی وعده‌ها را جلوی چشم داشته باشید.

برای وعده روزشمار معین کنید؛ تخمین بزنید یک کاری که می‌گویید این کار را خواهم کرد چه مدتی طول خواهد کشید و روزشمار معین کنید و دانه‌دانه تعقیب کنید. بنده بارها در مجموعه‌های دولتی این را گفته‌ام که ما قاعده و قانون و مانند این چیزها کم نداریم؛ ما قانون و بنا و قاعده و هر چه طرح و برنامه‌ها و این حرفها بخواهید زیاد [داریم]؛ آنچه کمبود ما است عبارت است از همین که یک پیگیری جدی‌ای انجام بگیرد. این هم یک مطلب.

انسجام دولت و اقتدار دولت و اِشراف دولت چیزهایی است که خیلی مهم است. انسجام دولتی یعنی از درون مجموعه‌ی دولت حرفهای مختلف درنیاید؛ یکی یک چیزی بگوید، یکی برود خلاف آن را بگوید؛ خب این ذهنیت مردم و افکار عمومی را بکلی خراب میکند؛ این باید یک حالت انسجام [داشته باشد]، وانگهی در عمل هم با همدیگر انسجام داشته باشند. خیلی از کارهای یک بخش به چند بخش دیگر مربوط است. شما بخش کشاورزی‌تان به چند

بخش دیگر ارتباط قهری دارد؛ باید همکاری کرد تا کار خوب دربیاید؛ بخش صنعتتان همین جور، بخشهای گوناگون دیگران همین جور؛ پس انسجام لازم است برای اینکه کار پیش برود. اقتدار هم لازم است؛ دولت بایستی نشان بدهد که میتواند آن کاری که اراده کرده و تصمیم گیری کرده آن را انجام بدهد و پیش ببرد و این جووری نباشد که حالت رهاشدگی احساس بشود. اگر چنانچه شما اقتدار دولتی را در عمل نشان ندهید و حالت رهاشدگی در کشور مشاهده بشود، قطعاً سیاستهایتان پیش نخواهد رفت؛ این هم مهم است. اِشراف هم یعنی از گوشه کناره‌های دولت مطلع باشید. دولت باید وظایفش را با اقتدار و با انسجام و اِشراف انجام بدهد.

و این البته بخشی از ایجاد تحوّل در قوّه‌ی مجریّه است. یکی از کارهای لازمی که در برنامه‌های جناب آقای رئیسی و بعضی از آقایان بود، این است که تحوّل ایجاد بشود در قوّه‌ی مجریّه. تحوّل در قوّه‌ی مجریّه کار مهمّی است؛ این تحوّل یک نیاز همیشگی است، همیشه بایستی در نظر باشد که البته تحوّل به سمت پیشرفت، وابسته است به قانون‌گرایی، ارتقاء شفافیت، انضباط

مالی، برطرف کردن زمینه‌های فساد، جلوگیری از تعارض منافع و جدّیت در اِعمال تصمیم‌ها و مصوّه‌ها.

البته جوان‌سازی هم خیلی مهم است. یکی از کارهای مهم در دولت، جوان‌سازی دولت است؛ شما در بدنه‌ی دولت و مدیریتِ میانی از جوانهای زبده که الحمدلله کم نداریم، هر چه میخواهید استفاده کنید؛ این کار، هم احساس انسداد را در کشور از بین میبرد و وقتی که جوانها ببینند میتوانند وارد میدان کار بشوند و حرکت کنند و تصمیم‌گیری کنند، در کشور احساس انسداد به وجود نمی‌آید، هم شما یک ذخیره‌ی ارزشمندی برای آینده برای مدیران ارشد کارکشته و مجرّب دارید فراهم میکنید. این جوانی که امروز وارد میدان کار میشود، ده سال دیگر یک مدیر مجرّب و کارآزموده است که برای کشور یک ذخیره‌ی بسیار مهمّی است؛ این مدیران باکفایت حقّاً و انصافاً یکی از ذخیره‌های [ارزشمند خواهند بود].

یک نقطه‌ی مهم در باب تحوّل، استفاده‌ی از خرد جمعی است و تکیه‌ی بر عقلانیّت که استفاده بشود. از نخبگان خارج از دولت استفاده کنید؛ هر جایی که میتوان از نظر یک نخبه‌ای [استفاده کرد] -بحث جناحهای سیاسی و امثال اینها را بکل در این قضیه کنار بگذارید- از نظر نخبه‌ها هر چه میتوانید استفاده کنید، و نگاه

نکنید به اینکه حالا او وابسته‌ی به یک جناحی است که شما قبول دارید یا ندارید؛ حالا در داخل دولت که از اینها قهراً استفاده میشود؛ استفاده از نظر نخبگان.

اینها توصیه‌های عمومی است؛ البته برای اینها باید برنامه‌ی عملیاتی درست کرد. اگر چنانچه به همین اندازه‌ای که بنده بگویم و شما هم در ذهن شریفان اینها را نگه دارید یا یادداشت کنید، اکتفا بشود، فایده‌ای ندارد؛ جنبه‌ی نصیحت پیدا کردن این گونه حرفها فایده ندارد. اینها باید به برنامه و برنامه‌ی عملیاتی تبدیل بشود؛ وقتی برنامه شد، آن وقت طبعاً اینها [عملی میشود].

اولویتهایی هم در کار کشور هست که من یک اشاره‌ای میکنم که این اولویتها را بایستی به اولویت بودنش توجه داشت و دنبال کرد، که شاید مهم‌ترین مسئله‌ی اقتصاد است و بعد مسئله‌ی فرهنگ و رسانه و علم است که اینها اولویتهای اساسی کشور است. ولی خب یک مسئله‌ی فوری داریم که مسئله‌ی کرونا است؛ مسئله‌ی سلامت، الان یک جنبه‌ی فوریت پیدا کرده که باید به این رسید. البته در مسئله‌ی سلامت تلاش خوبی در دولت گذشته شد، کارهای خوبی انجام دادند، دنبال کردند، هم برای تولید واکسن کار شد، هم برای واردات واکسن کار شد؛ حالا شایعاتی در

دهنها هست که اینها غالباً اعتبار ندارد؛ غالباً بی اعتبار است؛ کارهای خوبی انجام گرفت؛ باید این کارها دنبال بشود و تأکید بشود؛ هم درمان، هم پیشگیری، هم مراقبت و غربالگری - غربالگری از بیماران محتمل بسیار چیز مهمی است - که اینها باید حتماً انجام بگیرد.

واکسیناسیون عمومی مسئله‌ی بسیار مهمی است که حتماً بایستی انجام بگیرد. و قرنطینه‌ی هوشمند. من شنیدم که بعضی از کشورهای غربی که توانسته‌اند کنترل کنند تلفات را و خب تلفاتشان نسبت به ما کمتر است - ابتلاشان هم کمتر است - در عین حال آن چنان مرز را محکم بسته‌اند که به [کشور] همسایه‌شان، که آن هم یک کشور پیشرفته‌ای است لکن خب ابتلاء در آنجا زیاد است، هیچ امکان رفت و آمد نیست، یعنی مراقبت میکنند. ما خب در زمینه‌ی رعایت مرزهای کشور و دقت در ورود انواع جدید بیماری به کشور - این بیماری‌های دیگر - بایستی خیلی مراقبت بکنیم و این مسئله خیلی مهم است. البته مردم هم وظایفی دارند؛ بنده مکرراً این را گفته‌ام. مردم عزیزمان بایستی این چهار مسئولیت مهم را قبول کنند و به عهده بگیرند: یکی مسئله‌ی ماسک، یکی مسئله‌ی فاصله، یکی

مسئله‌ی تهویه، یکی مسئله‌ی صابون زدن دست؛ اینها که کارهای مشکلی نیست، اینها همه کارهای آسانی است؛ [اگر] این رعایتها را نکنند، قطعاً تأثیر خواهد گذاشت در ابتلاء، و این تلفات سنگینی که دل انسان را به درد می‌آورد، به وجود نخواهد آمد.

در مورد اقتصاد و فرهنگ و فضای مجازی و دیپلماسی و مانند اینها هم مطالبی هست که حالا مجال تفصیل در اینجا در این جلسه نیست؛ ان شاء الله بعدها اگر فرصت بود و عمری بود، مطالبی گفته خواهد شد.

در زمینه‌ی مسائل اقتصادی خب الان مشکلاتی در کشور وجود دارد: توژم بالا یکی از اساسی‌ترین مشکلات است؛ کسری بودجه هست؛ معیشت مردم کم‌درآمد هست - که اینها مشکلات مهم است - کاهش ارزش پول ملی هست، که این یکی از آن چیزهایی است که انسان واقعاً خجالت‌زده میشود از این قضیه؛ کاهش قدرت خرید مردم هست؛ مشکلات فضای کسب و کار هست، این همه هم ما و مسئولین اقتصادی تأکید کردیم، یعنی همه تأکید کردند و گفته شده اما خب مشکلاتی در بهبود فضای کسب و کار وجود دارد؛ مشکلات نظام بانکی هست. اینها مشکلات اقتصادی کشور است، مشکلات دیگری هم هست که بایستی برای هر کدام از

اینها جداگانه واقعاً برنامه‌ریزی کرد و کار کرد و حلّ این مسائل، مهم است.

یک نکته‌ی اساسی این است که مردان اقتصادی ما و مسئولان اقتصادی ما در این دولت، بایستی در حلّ این مشکلات هماهنگ عمل کنند. یک مصداق مهم آن انسجامی که ما قبلاً عرض کردیم، اینجا است، یعنی نظرات را یکی کنند در این زمینه‌های مهم اقتصادی و هماهنگ عمل بشود. حالا اینکه آقای رئیس‌جمهور گفتند که معاون اول^۴ مسئولیت هماهنگی دارند، این کار بسیار مهمی است، این خیلی مهم است؛ [باید] یک هماهنگی در این زمینه‌های اقتصادی انجام بگیرد و این مأموریت هم بخوبی ان شاء الله تحقق پیدا کند.

و اگر چنانچه اختلاف نظری هم هست، من مؤکداً توصیه می‌کنم که آقایان اختلاف نظر را به میان مردم نیاورید، چون اختلاف نظر اقتصادی وقتی به مردم منعکس میشود، تأثیرات واقعی خودش را در محیط اقتصادی می‌گذارد؛ یعنی آن مشکلات توهمی تبدیل میشود به مشکلات واقعی در بازار کار مردم و در محیط اقتصادی

۴. آقای دکتر محمد مخبر

مردم. اگر مشکلی، اختلافی وجود دارد، در خود دولت اینها را حل کنند و به مردم منعکس نکنند.

یک نکته در مسئله اقتصاد، توجّه به بخشهای پیشران اقتصادی است. بعضی از بخشها به معنای واقعی کلمه پیشران حالا مثلاً فرض کنید که بخش مسکن - که کارشناسها میگویند اگر بخش مسکن به جریان بیفتد، بخشهای متعدّدی به راه می افتد - یا بخش صنایع مهمّی مثل صنعت فولاد، صنعت خودرو، بخشهای انرژی و پتروشیمی و امثال اینها وقتی که به کار بیفتد، اینها جنبه‌ی پیشران دارد؛ بایستی اینها را به حرکت درآورد، و در این بخشها بخصوص هماهنگی متولیان کار خیلی مهم است.

یک نکته‌ی مهمّ دیگر در مسئله مشکلات اقتصادی ما، مسئله‌ی کنترل نظام بانکی است در خصوص مسئله‌ی خلق پول و تولید نقدینگی. آن چیزی که صاحب‌نظران اقتصادی به ما گزارش میدهند و منعکس میکنند، این است که میگویند خلق پول بایستی در نسبت با تولید انجام بگیرد؛ اگر این نسبت وجود نداشت، بایستی جلوی خلق پول گرفته بشود، جلوی تولید نقدینگی باید گرفته بشود؛ یعنی بحد این مسئله را اهمّیت بدهند. اگر در این زمینه درست عمل بشود، این برکات زیادی خواهد داشت:

جلوگیری از تورّم، رونق تولید، رونق اشتغال، تقویت پول ملی و از این قبیل چیزها. این یکی از آن نکات مهمّی است که به نظر من روی آن بایستی تکیه کرد.

خب حرفهای دیگری [هم] در زمینه‌ی اقتصاد هست. به نظر من دو نکته در اینجا مهم است: یکی اینکه در حلّ مشکلات اقتصادی دنبال راه‌حل‌های موقّتی و مسکّن و مانند اینها نباید رفت، چون اینها گاهی اوقات مشکل را افزایش میدهد؛ این مسکّن‌ها و علاجه‌ای موقّت، گاهی مشکل را اضافه میکند؛ باید برای رفع این چالش‌ها به راه‌حل‌های اساسی پرداخت و شروع کرد به امید خدا، با توکل به خدا و با صحتّ عمل، با گام‌های محکم ان‌شاءالله پیش رفت. نکته‌ی بعد هم این است که حلّ این مشکلات اقتصادی را موکول به رفع تحریم‌ها نکنید؛ رفع تحریم‌ها در اختیار ما و شما نیست، در اختیار دیگران است. برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات را با فرض وجود تحریم انجام بدهید و برنامه‌ریزی کنید که ان‌شاءالله بتوان این کار را پیش برد. اینها با همت و تدبیر خود شما و با کار جهادی خود شما بایستی ان‌شاءالله حل بشود، و حل هم خواهد شد.

در مسئله‌ی فرهنگ و رسانه، به گمان بنده، ساختار فرهنگی کشور نیاز به یک بازسازی انقلابی دارد. ما مشکل داریم در ساختار فرهنگی کشور؛ و یک حرکت انقلابی لازم است. البته «حرکت انقلابی» یعنی خردمندانه و عاقلانه. معنای «انقلابی بودن» بی‌هوا حرکت کردن و بی‌حساب حرکت کردن نیست. [حرکت] انقلابی باید باشد، بنیانی باید حرکت بشود، در عین حال برخاسته‌ی از اندیشه و حکمت باشد. فرهنگ واقعاً زیربنا است؛ خیلی از این خطاهایی که ما در بخشهای مختلف انجام میدهیم، ناشی از فرهنگ حاکم بر ذهن ما است. اگر ما اسراف داریم، اگر ما تقلید کورکورانه داریم، اگر ما سبک زندگی غلط داریم، اینها ناشی از مشکلات فرهنگی است؛ فرهنگ حاکم بر ذهنها است که در عمل، این مشکلات را به وجود می‌آورد. زندگی‌های تقلیدی، زندگی‌های تجمّلاتی و اشرافیگری، غالباً منشأ و ریشه‌ی فرهنگی دارد. در واقع نرم‌افزار این حوادث، فرهنگ کشور و فرهنگ حاکم غلط و انحرافی‌ای است که بر بعضی ذهنها مسلط است.

ابزارهای فرهنگی از [قیل] سینما و هنر و رسانه‌های صوتی و تصویری و امثال اینها را بایستی شکوفا کنید؛ مطبوعات و کتاب و امثال اینها ابزارهای فرهنگی هستند، باید به معنای واقعی کلمه اینها شکوفا بشوند. خب امروز بحمدالله یک لشکر عظیمی از جوانهای علاقه‌مند به مسائل فرهنگی مشغول کارند، وجود دارند و تلاش میکنند و کار میکنند.

اگر دولتها و بخشهای فرهنگی دولت به این مجموعه‌های جوان و علاقه‌مند کمک بکنند، قطعاً کارهای بزرگی انجام خواهد گرفت و قدمهای خلاقانه‌ای برمیدارند؛ صدها طرح ابتکاری در این زمینه وجود دارد در اختیار این جوانها، که گاهی اوقات که مثلاً انسان یک تماسهایی با جوانها دارد، میبیند کارهای بزرگی اینها میتوانند انجام بدهند و به ذهنشان می‌آید؛ خب امکانات میخواهند و امکانات در اختیار دولت است؛ بایستی حمایت هوشمند انجام بگیرد. استعدادها را کشف کنید، از آنها حمایت کنید، آزادی‌شان را تأمین کنید؛ البته آزادی در چارچوب اصول قانون.

و با فساد اخلاقی و فساد در زمینه‌ی فرهنگ هم بی‌رودر بایستی
مقابله کنید و مبارزه کنید؛ یعنی واقعاً این جوری باید برخورد بشود.
راه اصلی مواجهه و مقابله‌ی با جنگ نرم دشمن هم همین است
که ما از حرکت صحیح در زمینه‌ی فرهنگ حمایت کنیم و آن را
تشویق کنیم، [از آن] تقدیر کنیم و در مقابل حرکتهای غلط
بایستیم. و عرصه‌ی رسانه و فرهنگ، از یک طرف، یک دانشگاه
بزرگی میتواند باشد و هست، و از طرف دیگر یک آوردگاه صلاح و
فساد است، آوردگاه حق و باطل است و عرصه‌ی جنگ فرهنگی با
کسانی است که فرهنگشان ایجاد فساد در دنیا است؛ از این دو
جهت باید نگاه کرد به آن.

یک جمله هم در باب سیاست خارجی عرض بکنیم. البته در
مسئله‌ی سیاست خارجی حرفهای زیادی هست که حالا در زمان
خود، در جای خود ان شاء الله گفته خواهد شد؛ اجمالاً [این که]
سیاست خارجی خیلی مهم است، در مسائل کشور خیلی تأثیرگذار
است. باید تحرک ما در عرصه‌ی دیپلماسی افزایش پیدا کند و
مضاعف بشود. بایستی در دیپلماسی، جنبه‌ی اقتصادی تقویت
بشود؛ دیپلماسی اقتصادی یک چیز بسیار مهمی است. امروز

انسان مشاهده میکند که خیلی از کشورها وزیر خارجه هم دارند اما خود رئیس‌جمهور در زمینه‌ی مسئله‌ی اقتصادی با کشورهای مختلف یا با فلان کشور خاص، بخصوص وارد میشود و [مسئله را] دنبال میکند؛ یعنی ارتباط با کشورهای مختلف در زمینه‌ی اقتصادی خیلی مهم است. این جنبه‌ی اقتصادی دیپلماسی را بایستی تقویت کرد.

و خب تجارت خارجی خیلی مهم است، به طور ویژه با همسایگان. ما چهارده پانزده همسایه داریم که یک جمعیت عظیمی را تشکیل میدهند، بازار وسیعی را به وجود می‌آورند لکن به اینها منحصر نباید بود و [ارتباط با] دیگر کشورها هم همین جور است؛ حدود دویست و خرده‌ای کشور در دنیا هست؛ ما بنا نداریم با تعداد خیلی معدودی، با یکی دو کشور ارتباط داشته باشیم، با بعضی‌ها هم امکانش شاید نیست اما با اکثر اینها امکان ارتباطات خوب و روان وجود دارد؛ تلاش لازم است.

و دیپلماسی را تحت تأثیر مسئله‌ی هسته‌ای هم نباید قرار داد؛ یعنی این جور نباشد که دیپلماسی کشور متصل به قضیه‌ی هسته‌ای باشد؛ نه، قضیه‌ی هسته‌ای یک قضیه‌ی جداگانه‌ای است که آن را بایستی به یک شکل مناسب و شایسته‌ی کشور حل

کنند، اما دایره‌ی دیپلماسی خیلی وسیع‌تر است. در قضیه‌ی هسته‌ای، آمریکایی‌ها انصافاً وقاحت را از حد گذرانده‌اند؛ واقعاً وقاحت را از حد گذرانده‌اند: جلوی چشم همه از برجام خارج شدند، حالا جوری حرف می‌زنند انگاری که ایران از برجام خارج شده، و جوری طلبکاری میکنند که انگار ما تعهدات را به هم زده‌ایم! مدّتها در مقابل این حرکت آمریکایی‌ها هیچ حرکتی از طرف ایران انجام نگرفت؛ بعد از گذشت مدّتی، با اعلام، با توجّه، برخی از تعهدات کنار گذاشته شد؛ برخی، نه همه. آنها به تعهدشان عمل نکردند.

کشورهای اروپایی همراه با آمریکا هم همین جور؛ آنها هم از لحاظ عهدشکنی و بداخلاقی کمتر از آمریکا نیستند؛ آنها هم مثل آمریکایند لکن در مقام زبان‌بازی و حرف زدن طلبکارند؛ همیشه طلبکارند. گویا این ما بودیم که مدّتها مذاکره را به مسخره گرفتیم و تعهداتمان را زیر پا گذاشتیم و عمل نکردیم؛ این کاری است که آنها کردند. و دولت کنونی آمریکا هم هیچ فرقی با دولت قبلی ندارد؛ یعنی همین چیزی که الان اینها در زمینه‌ی مسائل هسته‌ای از ایران مطالبه میکنند، همان چیزی است که ترامپ مطالبه میکرد، که آن روز مسئولین بالای دولتی میگفتند که

امکان ندارد، عاقلانه نیست و مانند اینها. امروز اینها همان را میخواهند؛ هیچ تفاوتی نکرده. او با یک زبان میگفت، اینها با یک زبان دیگری میگویند. باید به اینها توجه کرد.

انصافاً آمریکا در پشت صحنه‌ی دیپلماسی، یک گرگ درنده است؛ ظاهر، دیپلماسی است و لبخند و حرف زدن و حرفهای گاهی اوقات حق به جانب ادا کردن، اما باطن قضیه یک گرگ، یک گرگ وحشی درنده که در خیلی از جاهای دنیا انسان مشاهده میکند؛ البته گاهی گرگ، گاهی روباه حيله گر؛ به شکلهای مختلف درمی آید. یک مظهرش امروز وضعيت افغانستان است. افغانستان کشور برادر ما است؛ هم زبان، هم دین، از لحاظ فرهنگی هم فرهنگ؛ و واقعاً مشکلات افغانستان و مصیبت های افغانستان انسان را بشدت متأثر میکند. این حوادثی که دارد پی در پی پیش می آید، این حادثه‌ی روز پنجشنبه^۵ این کشتارها، این مشکلات، این سختی هایی که اینها میکشند، اینها کار آمریکا است. بیست سال آمدند افغانستان را اشغال کردند و در این بیست سال انواع و اقسام ظلمها را به افغانها کردند؛ مجلس عزایشان را، مجلس

۵. اشاره به حمله‌ی انتحاری در اطراف فرودگاه کابل - تحت مراقبت نیروهای آمریکایی - که به کشته شدن بیش از ۱۶۰ نفر و مجروح شدن تعداد بیشتری منجر شد.

عروسی‌شان را بمباران کردند، جوانهایشان را کشتند، عناصر فراوانی از اینها را بی‌جهت به زندانهای گوناگون انداختند، ده‌ها برابر -چندده برابر- تولید موادّ مخدّر را در افغانستان افزایش دادند؛ این کارها را کردند، یک قدم هم برای پیشرفت افغانستان برنداشتند؛ یعنی افغانستان امروز از لحاظ پیشرفتهای مدنی و پیشرفتهای عمرانی و مانند اینها از آن زمان اگر عقب‌تر نباشد جلوتر نیست؛ یعنی هیچ کار نکردند. حالا هم که دارند می‌روند با این فضاحت [همراه است]؛ وضع فرودگاه کابل، این اجتماع مردم و این مشکل. آن کسانی از افغانها را که می‌برند -آن کسانی که در این سالهای طولانی به اصطلاح با اینها همکاری می‌کردند- و میخواهند از افغانستان خارج کنند، گزارشهایی وجود دارد که وضع آنجایی که اینها را می‌برند از افغانستان بدتر است؛ مشکلات فراوان در آن مراکزی که اینها را دارند آنجا اسکان میدهند [وجود دارد]؛ این وضع آمریکا است.

به هر حال در مورد افغانستان ما طرفدار ملت افغانیم؛ دولتها می‌آیند و می‌روند؛ انواع و اقسام دولتها در این سالها در افغانستان سر کار آمده‌اند. دولتها می‌آیند و می‌روند، آن که باقی میماند ملت افغانستان است؛ ما طرفدار ملت افغانستان هستیم. نوع رابطه‌ی

ما با دولتها هم به نوع رابطه‌ی آنها با ما بستگی دارد. و امیدواریم که ان شاء الله خدای متعال خیر مقدر بفرماید برای مردم افغان و آنها را از این وضعیّت نجات بدهد و ان شاء الله وضعشان را به بهترین وجهی قرار بدهد و تفضّلات خودش را بر آنها نازل کند و بر ما ان شاء الله.

دعا میکنیم خداوند ملّت ایران را موفق کند؛ مشکلات را برطرف کند و دعا میکنیم که شما مسئولین محترم دولت جدید در کارهایی که در پیش گرفته‌اید موفق بشوید، بر مشکلات فائق بیایید، بتوانید ان شاء الله آنچه را گفتید عمل کنید و مردم را از مشکلاتشان خلاص کنید و مردم را از خودتان راضی کنید ان شاء الله. رضایت مردم ان شاء الله رضایت خداوند متعال را هم در پی خواهد داشت؛ نیتهای خالص و نیت خدمت، نیت خدایی ان شاء الله به شما کمک خواهد کرد. رحمت خدا بر شهدای عزیزمان، رحمت خدا بر امام بزرگوارمان و رحمت خدا بر همه‌ی بندگان که در راه حق و برای خدا کار کردند و تلاش کردند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته